

مدرسه

تربیت محور

تحلیل

با توجه به نکات گفته شده، کل مدرسه موضوعیت دارد. مدرسه صرفاً یک مکان نیست، بلکه یک سازمان است؛ سازمانی که فضایی منعطف، پویا، بالنده و هدفمند است. مدرسه یک نظام پویاست و در آن همه عناصر درون داد، فرایند و برون داد با یکدیگر در تعامل هستند و بر هم اثر می گذارند.

فرهنگ مدرسه در اثر فعالیت های جمعی مدرسه شکل می گیرد. فرهنگ مدرسه عامل پیشران در تربیت دانش آموزان تلقی می شود. به عبارت دیگر، تربیت محصول جو و فرهنگ مدرسه است. سازمان دهی مداوم زمینه های تربیتی در فضای مدرسه صالح در گرو چند مؤلفه است:

- تغییرات هویتی کلیه عوامل تربیت در مدرسه
- ارتقای پیوسته مراتب وجودی این عوامل تربیتی
- سازمان دهی مداوم روابط و ساختارها و شکل گیری فرهنگ سازمانی مدرسه
- مشارکت مستقیم خانواده ها در برنامه ریزی و اداره امور مدرسه
- مشارکت جامعه محلی به منظور غنی کردن فرصت های تربیتی

از تبیین مدرسه چند نکته قابل تعمق است:

مدرسه نظامی باز و پویاست. ضمن مهم بودن درون داده های مدرسه (منابع انسانی، مالی، آموزشی، تجهیزاتی و ...) ارتباط و تعامل بین عوامل تربیتی مدرسه (مدیر، معلم، مربیان و ...) با دانش آموزان، به عنوان مهم ترین عناصر فرایندی مدرسه، نقش اساسی را در تحقق اهداف این سیستم بر عهده دارد. (محصول، برون داد و پیامد).

مدرسه یک سازمان یادگیرنده است. لازمه تحقق اهداف مدرسه، یادگیری مستمر همکاران مدرسه است (یادگیری از ماهیت یادگیرنده، یادگیری از فرایند یادگیری و تربیت، و ...)

دکتر عظیم محبی

در نگاه سطحی، مدرسه مکانی است که دانش آموزان در آن حضور می یابند تا معلمان به آن ها آموزش دهند. اما مدرسه محیط اجتماعی سازمان یافته ای (مشمول بر مجموعه ای از افراد و روابط و ساختارهای منظم) است برای کسب مجموعه ای از شایستگی های لازم (فردی، خانوادگی و اجتماعی) که متربیان باید برای وصول به مرتبه ای از آمادگی به منظور تحقق حیات طیبه آن را به دست آورند. از این رو، مدرسه فضای اجتماعی (جامعه) هدفمندی است که از طریق زنجیره ای از موقعیت ها، فرصت حرکت و رشد و تعالی بخشی را برای متربیان فراهم می کند که در آن شایستگی های لازم برای کسب و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیری رسمی و غیررسمی کسب می شود (مبانی نظری سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۸۸).

یادگیری و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای همکاران از روش‌های سنتی ضمن خدمت میسر نیست، بلکه نیازمند بهره‌گیری از روش‌های یادگیری تیمی مدرسه‌محور هستیم تا همکاران با تحلیل مسائل مدرسه، به صورت تیمی طرح‌های کیفیت‌بخشی را تهیه، اجرا، ارزیابی و اصلاح کنند و با تأمل بر عمل، ضمن توسعه یادگیری خود، به غنی‌سازی فرایند تربیت در مدرسه کمک کنند (درس پژوهی). فرایند تیمی محور کمک خواهد کرد همه همکاران مدرسه نسبت به چشم‌انداز مدرسه حس مشترکی داشته باشند و از ظرفیت و مهارت خود برای کیفیت‌بخشی به مدرسه بهره بگیرند.

- **مدرسه یک سازمان فرهنگ‌ساز است.** تلقی مدرسه به مثابه فرهنگ بالاترین سطح یادگیری سازمانی تلقی می‌شود. در گذر از یادگیری فردی و یادگیری تیمی به یادگیری سازمانی می‌رسیم. یادگیری سازمانی در مدرسه به نوعی بازتعریف مدرسه به عنوان عنصری فرهنگی است.

بر اساس این ادله می‌توان اذعان داشت: تربیت محصول فرهنگ مدرسه است؛ فرهنگ خلاقیت، فرهنگ پژوهش، فرهنگ انسانیت و اخلاق، فرهنگ مشارکت، فرهنگ کار و کارآفرینی، فرهنگ تلاش و پشتکار، و ...

رهیافت

با توجه به این تحلیل، سؤال کلیدی آن است که چگونه می‌توان چنین مدرسه‌هایی را باز تولید کرد؟ مدرسه‌ها در شرایط فعلی با این رویکرد فاصله زیادی دارند. هر یک از عوامل مدرسه نقش خود را به طور ویژه‌ای دنبال می‌کنند. معلم، مشاور، مربی و مدیر بر اساس تقسیم کار انجام‌شده، وظیفه‌شان را انجام می‌دهند و کمتر به انسجام و تعامل فعالیت‌ها به منظور تأثیرگذاری در قالب فرهنگ مدرسه توجه دارند. برای دستیابی به این شرایط، سازمان

مدرسه باید بازطراحی شود تا مدرسه به کانون تربیت تبدیل شود. در دوره ابتدایی، چون معلم محور تربیت دانش‌آموزان تلقی می‌شود، می‌تواند این نقش را در مدرسه رهبری کند. یعنی همه فعالیت‌های مدرسه به صورت هماهنگ راهبری شود تا تربیت همه‌جانبه صورت گیرد. اما در مدرسه‌های متوسطه اول و دوم، هر یک از معلمان تدریس خود را انجام می‌دهد. مربی تربیتی و مشاور هم کار خود را انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، در این مدرسه‌ها متولی تربیت نداریم.

در این میان، بعضی از مدرسه‌ها، طرحی را به نام معلم راهنمای پایه اجرا می‌کنند. این طرح توانسته است تا حدی خلأ تربیتی را در این مدرسه‌ها پر کند.

برای هر پایه تحصیلی متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم) یک نفر به عنوان معلم راهنمای پایه انتخاب می‌شود. این فرد در کنار صلاحیت‌های علمی، صلاحیت‌های روان‌شناختی و مشاوره‌ای هم دارد و تلاش می‌کند دانش‌آموزان یک پایه (یک یا چند کلاس) را به خوبی بشناسد و با خانواده دانش‌آموزان ارتباط مستمر داشته باشد. در عین حال، با معلمان این دانش‌آموزان هم ارتباط دارد. به عبارت دیگر، به عنوان متولی تربیت، در ارتباط با دانش‌آموزان، خانواده و معلمان نقش ایفا می‌کند. این طرح سال‌هاست در این مدرسه‌ها اجرا می‌شود و یکی از شاخص‌های موفقیت در تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان به شمار می‌رود.

این طرح می‌تواند در مدرسه‌های دولتی هم طراحی و اجرا شود، اما در حالت ایده‌آل، به نظر می‌رسد نیازمند بازنگری سازمان مدرسه‌ها هستیم تا با بازنگری ساختار مدرسه، شرایط اجرای این رویکرد که زمینه مدرسه تربیت‌محور را فراهم می‌کند مهیا شود. نظر به اهمیت این تفکر، مطالب صفحه‌های ۱۰ تا ۱۷ این شماره از مجله رشد معلم به این موضوع می‌پردازد. امیدواریم این تلاش در تبیین و اشاعه این تفکر کمک کرده باشد.